عدم مخالفت حرمت علمی صوم عیدین با معقد اجماع در قاعده اشتراک

(6:25)

خب من عرض کردم اگر دلیل داشته باشیم، میگوییم تخصیص میزنیم. ولی نکتهای که طلبگی است، این است که اصلاً نیازی به تخصیص نیست. چون اجماع بر اشتراک احکام بین عالم و جاهل لسان ندارد؛ معقد آن، قدر متیقن دارد. در مانحن فیه هم حتی اگر بگوییم آن بهره علم مکلف، یا بهره علمی او، یا بالاتر بگوییم بهرهای از اثبات خارجی در ثبوت حرمت برای عید شوال دخالت دارد، باز با اشتراک احکام بین عالم و جاهل منافاتی ندارد. چون بنابراین هم احکام مشترک بین عالم و جاهل است. ما که از اجماع دست برنداشتهایم. یعنی الآن موضوع بحث ما محقق شد و مسلمانان عید گرفتند، خب حالا حرمت بالفعل است. حرمت برای چه کسی بالفعل است؟ حتی برای کسی که نمیداند صوم یومش –عید فطر- حرام است. این کافی است. ما از اجماع، بیش از این توقع نداریم. یعنی الآن روی فرض ما حرمت برای جاهل به حکم حرمت صوم شوال هم بالفعل شده. نکتهای که هست، این است که قدر متیقن آن اجماع، علم به حکم است. یعنی جاهل به حکم، حکم را دارد. احکام مشترک بین عالم و جاهل به حکم است. این قدر مسلم است. اما در بدنه فقه، احکام بین عالم و جاهل به حکم، و جاهل به موضوع ثبوتی هم مشترک است. این درست است. اما چون قدر متیقن معقد اجماع را داریم و در مانحن فیه هم آن قدر متیقن باز جاری است، دیگر نیازی نداریم که هزینه کنیم و اجماع را تخصیص بزنیم. با این بیان تخصیص نیاز نیست.

بهرهای از اثبات در حرمت صوم عید

شاگرد: جلسه قبل فرمودید بهرهای از اثبات به علم شخصی خودش مربوط نمیشود؛ مثلاً دیگران گرفتهاند و ما ندانیم. اگر به این صورت باشد، اجماع در موضوع هم هست. یعنی اگر چه بدانم دیگران عید گرفتهاند یا نه، باز حرمت میآید.

استاد: بله، حرمت میآید چون گرفتهاند. حتی اگر من مطلع هم نباشم میآید. این نکته خوبی است که خیلی محتاج صد در صدی به تخصیص اجماع نیستیم. وقتی شد بالفعل میآید. حال چرا؟ دیدم یک جا کسی جواب داده بود. در جواب دادن دلیلش را دیدم. ظاهراً علامه بودند. علامه فرموده بودند کسی نمیتواند به این روایت استشهاد کند که امام علیهالسلام فرمودند: «الفطر یوم یفطر الناس و الاضحی یوم یضحّی الناس، و الصوم یوم یصوم الناس». یعنی اصلاً «الفطر یوم یفطر الناس». یعنی خود اینکه «انّ الله تعالی حرّم صوم یوم الفطر» حضرت میفرمایند فطر چه زمانی است؟ اول ثبوتی شوال نیست. الفطر یوم یفطر الناس. البته علامه جواب داده بود. یادم نیست در چه کتابی جواب داده بودند. فرموده بودند که این دلالت ندارد. منظورم اصل خود روایت است که «الفطر یوم یفطر الناس». اگر بحثها سر رسید ممکن است از این هم استیناسی

بشود. جوابی هم که علامه داده بودند جواب خوبی بود.

شاگرد: روایت «صم حين يصوم الناس و أفطر حين يفطر الناس فإن الله عز و جل جعل الأهلة مواقيت»[1] هم دلالت دارد؟

استاد: بله، آن هم دلالت خیلی خوبی دارد. «فإن الله عز و جل جعل الأهلة مواقيت»؛ مواقیت برای ناس محقق می‌شود، نمی‌شود کسی خودش فردی به هم بزند.

شاگرد۲: اجماع نزد شما مسلم است؟

استاد: اولین بار در خاطر من از مرحوم مظفر هست. اما اینکه در کتابها پیگیری کرده باشم، نه. ولی ظاهراً کسی در آن منافشه ای ندارد. اشتراک الاحکام بین العالم و الجاهل به این صورت است. فقط دو تا بود که مرحوم مظفر در اصول الفقه مطرح کرده بودند. جهر و اخفات، قصر و اتمام. مرحوم مظفر در این دو بحث کردند؛ «ان كانت قرئت علیه آیة التقصیر وفسرت له»[2]، این برای قصر و اتمام بود. یکی هم برای جهر و اخفات بود. در این دو شائبه این بود که جهر واجب است برای کسی که بداند. قصر واجب است برای کسی که بداند. وجوبش بر عالم به وجوب قصر است. حال اینکه چطور توجیه کنند جای خودش باشد. من از آن جا یادم هست. شما از کسی منافشه یادتان هست؟

شاگرد: از معاصرین در ذهنم هست باید مراجعه کنم.

استاد: در اینکه یک موردی پیدا کنیم که تخصیص بزنیم، مهم نیست. مهم این است که کسی بگوید اصل این اجماع ثابت نیست.

شاگرد: اجماعی که کاشف از رأی معصوم باشد و معتبر نزد شیعه باشد، ظاهراً نیست.

استاد: ما فعلاً بدنبال این جور اجماع نیستیم. بدنبال کلماتی از علماء هستیم که اجماع را فرموده باشند. دنبال مواردی هستیم که نقض کند. فعلاً این مهمتر است. حال تا بعداً ببینیم اگر اجماع محصل شد، کاشفیت دارد یا ندارد.

شاگرد۲: در کلمات مرحوم آخوند در خاطرم هست که طوری کرده بودند که اشتراک در مرحله فعلیت نباشد، در اصل انشاء باشد.

استاد: بله، اگر باز چیزی ماندم بفرمایید.

شاگرد۳: در روایت داشت که خداوند متعال دوست دارد که این روز «یوم یجمع فیه الناس» باشد. طبق این غرض اگر قرار باشد که خداوند صاحب ارزش را مدیریت بکند و حکم حرمت صوم را بر آن بار کند، [طبق نظریه اغراض وقیم،] بهره ای از اثبات را چطور در آن وارد می‌کنید؟

استاد: یعنی وقتی شانیت این پیدا شد که «یجمع فیه الناس»، موضوع حرمت محقق شده. به عبارت دیگر در عالم ثبوت، موضوع ثبوتی، مجموعه اموری بود که مُنشیء حکم در نظر می‌گیرد و می‌گوید «اذا تحققت هذه الامور»، برای «الامور» یک پرانتز بگذارید، یعنی موضوع الحکم الشرعی. این مجموع را در نظر گرفته و حکم بر آن مترتب شده. اگر شانیت اجتماع بیایید عرض من می‌شود. فرمایش شما مورد عرض من است. اما اگر شانیت نباشد، دیگر از لوازم است. وقتی اول شوال آمد، دیگر حرمت می‌آید. بعداً هم مردم جمع می‌شوند و انجام می‌دهند. به عبارت دیگر خود اجتماع و شانیت اجتماع، در موضوع حکم ملاحظه نشده باشد. اینجا دیگر ثبوتش مشکلی ندارد. جلسه قبل آقا فروضی را مطرح کردند؛ کسی بفهمد که مردم اشتباه کرده‌اند، این از فروضی است که من به یاد

فرمایش میرزا محمد تقی شیرازی افتادم.

---

[1] وسائل الشيعة ؛ ج۱۰ ؛ ص۲۹۳

[2] أصول الفقه- ط دفتر تبلیغات اسلامی نویسنده : المظفر، الشيخ محمد رضا جلد : ۲ صفحه : ۳۳

بازبینی #1
ایجاد شده 5 فوریه 2026 11:33:35 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2026 11:36:27 توسط ... .